

پیشرفت و اصالت فرهنگی

دکتر مظفر اقبال^۱

زمان نشست: ۱۳۹۶/۸/۸

الف) خلاصه نشست

اگر پیشرفتی یکپارچه و کل‌نگر بخواهیم باید به همه ابعاد وجود بشری اشاره کنیم و صحنه بگذاریم. پیشرفت سیاسی به دست نمی‌آید مگر با پیشرفت اقتصادی؛ و این دو به دست نمی‌آید مگر با پیشرفت تمدن، فرهنگ و مباحث معنوی و روحانی که بسیار بر آن تکیه می‌کنیم. کلید پیشرفت تمدن اسلامی و تمام مقوله‌های پیشرفت، در کتاب قرآن جاری است. اساس کل دانش‌ها، در کتاب آسمانی قرآن و همین‌طور بیانات معنوی حضرت علی (ع) و سایر اندیشمندان دنیای اسلام آمده است. قرآن حاوی همه نکات بنیادی همه دانش‌ها در جهان است و این یک مسئله مبرهن و روشن است. قرآن کتابی است که انسان را از ظلمات به سمت نور هدایت می‌کند. دانشمندان و اندیشمندان باید در پی این باشند که مصداق این ظلمات و نور را روشن کنند. ما باید وضعیت موجود را مشخص کنیم که این را در طول تاریخ اسلام به صورت یکپارچه بررسی کنیم. همه مسلمانان آگاه هستند که باید در مدلی که می‌خواهیم برای توسعه تمدن اسلامی طراحی کنیم، واقع‌گرایی را در نظر بگیریم تا آن موارد معنوی قرآن حضرت محمد (ص) لحاظ شود.

۱. متفکر مسلمان پاکستانی و بنیان‌گذار و رئیس مرکز «اسلام و علوم» کانادا

اگر روزنامه‌های سال ۱۹۵۰ میلادی را بررسی کنید و ادبیاتی که در آن زمان تولید شده بود را ببینید یا کتاب‌هایی که در آن زمان منتشر شده بودند، هیچ مرجعی را در جهان اسلام پیدا نمی‌کنید که اسلام را به عنوان یک نیروی جهان‌شمول مطرح کند. پس از ۳۰۰ سال مستعمره‌سازی از ظلم و ستم، امت اسلامی تازه بیدار می‌شدند. فقط در آن زمان دو ایدئولوژی در جهان غرب حکم‌فرما بود که در ذهن آنها نقش بسته بود: کمونیسم و سرمایه‌داری. در خلال ۷۰ سال گذشته، یک بیداری اسلامی اتفاق افتاده است؛ مثل یک حالت رستاخیز؛ رستاخیز تمدن اسلامی و فرهنگ اسلامی پس از ۳۰۰ سال که امت اسلامی به خواب رفته بود. دو مسئله‌ای که باید بررسی کنیم عبارت است از: ۱- چه شد که ما دچار رکود شدیم؟ ۲- فهم خوبی از مقوله پیشرفت علمی داشته باشیم که در دنیای غرب اتفاق افتاده است. ما الآن در آن نقطه آغازین در بحث ظلمات و تاریکی هستیم و داریم به سمت روشنایی حرکت می‌کنیم. زوال بشری اتفاق افتاده چون این پیشرفت مادی بدون آن بعد معنوی اتفاق افتاده است. ما شاهد زوال بشری هستیم؛ یعنی از هم پاشیده شدن خانواده‌ها یا طبقات اجتماعی. اگر بخواهیم مدل پیشرفتی را که غربی‌ها پیش بردند، پیروی کنیم، دوباره تمدن ما دچار همان سرنوشت شوم تمدن غربی خواهد شد. مطالعه تمدن غربی و شناخت ضعف‌ها و نقاط قوت آن خیلی می‌تواند برای ما راهگشا باشد.

ب) مشروح نشست

- دکتر هادی اکبرزاده^۱

خوش آمد عرض می‌کنم خدمت همکاران محترم و افرادی که برای این جلسه تشریف آورده‌اند. همان طوری که مستحضرید سخنران این جلسه، دکتر مظفر اقبال، از شخصیت‌های بلندپایه جهان اسلام، هستند. ایشان دارای تألیفات متعددی هستند و موضوع صحبت ایشان هم «بیشرفت و اصالت فرهنگی» است. من از اندیشکده سیاست و جناب آقای دکتر صدرا تشکر می‌کنم که این نشست را برنامه‌ریزی کردند. اجازه می‌خواهم ابتدا خدمت مهمان گران قدر خوشامد بگویم، سپس جلسه در اختیار دکتر علیرضا صدرا خواهد بود که اداره کنند.

- دکتر علیرضا صدرا^۲

ضمن عرض سلام خدمت دانشمند فرزانه دکتر مظفر اقبال و نیز استادان فرهیخته و همکاران ارجمند که قبول زحمت کردند و به مرکز الگو تشریف آورده‌اند، سپاسگزار هستیم. عزیزان استحضار دارند که انسان دارای جهات سه‌گانه‌ای است: جهات جسمانی و بدنی، جهات ذهنی و فکری و جهات نفسانی و روحی. به تناظر آن، جامعه انسانی در همه جا سه بخش اصلی دارد: بخش اقتصادی، بخش سیاسی و بخش فرهنگی. در دنیا یک گفتمان رایجی

۱. استاد دانشگاه صنعتی اصفهان و معاون علمی تقسیم کار ملی مرکز الگو

۲. دانشیار دانشگاه تهران و رئیس اندیشکده سیاست مرکز الگو

■ سلسله نشست‌های اندیشه‌ورزی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

وجود دارد که اصالت را به اقتصاد می‌دهد، حالا چه در قالب سوسیالیستی و مارکسیستی باشد و چه در قالب لیبرالیستی یا کاپیتالیستی. آنها اصالت را به اقتصاد می‌دهند و هدف و غایت را توسعه اقتصادی می‌دانند. با انقلاب اسلامی ایران، گفتمان جدیدی مطرح شده که اصالت را به فرهنگ می‌دهد و توسعه اقتصادی را سبب مادی و ابزاری می‌داند. در قیاس با گفتمان و الگوی رقیب-الگوی توسعه مدرنیستی- که سبب فاعلی و غایی را توسعه اقتصادی می‌داند، تولید ثروت و آسایش و رفاه می‌داند و نهایتاً لذت را مطرح می‌کند، گفتمان انقلاب اسلامی سبب فاعلی و غایی را تعالی فرهنگی می‌داند و سبب مادی را اقتصاد و توسعه اقتصادی می‌داند. البته هر دو الگو، علت صوری را که به جامعه نظم می‌دهد و تولید قدرت می‌کند و کارآمدی سیستم را بالا می‌برد، توسعه سیاسی می‌دانند؛ در این نقطه مشترک هستند. ما در خدمت یکی از دانشمندان اسلامی هستیم که نگاه اصالت فرهنگی به توسعه دارد، در عین اینکه ایشان در جهانی زندگی می‌کند که اصالت اقتصادی را قائل است. همچنین با دقت در ماهیت فرهنگ در می‌یابیم فرهنگی که الآن در الگوی توسعه معرفی می‌شود، بیشتر فرهنگ اقتصادی و سیاسی است، اما آنچه در گفتمان انقلاب اسلامی به‌ویژه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح می‌شود، جهات معنوی و اخلاقی متعالی است. ان‌شاءالله در خدمت ایشان هستیم تا نظریه خودشان را ارائه بفرمایند و در ادامه جمع حاضر نقطه نظراتشان را برای ایضاح مطلب ارائه دهند و بهره‌برداری کنیم.

- دکتر مظفر اقبال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِهِ الْكَرِيمِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَ سَلِّمْ وَ بَارِكْ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.

بسیار خرسندم که در اینجا شرکت کرده‌ام. مهمان‌نوازی بسیار جالبی را به ویژه امروز صبح شاهد بودم. لطف خداوند باری تعالی را مستثنت می‌کنم تا نقاط مشترک ما بتواند روشنی‌بخش راهی باشد که آغاز کرده‌ایم و با تکیه بر الطاف الهی بتوانیم این راه را به خوبی طی کنیم. الآن ما؛ یعنی هم کشور ایران و هم دنیای اسلام، با یک چالش بزرگ روبه‌رو هستیم و در حال تلاش هستیم. ما امروز فقط دغدغه پیشرفت نداریم، بلکه تلاش برای بقای امت اسلامی است که مطرح می‌شود. اگر از منظر واقع‌گرایانه به این امر بنگریم، ما کشورهای اسلامی طی دوره‌های تاریخی با چالش‌های بسیار خاصی مواجه بوده‌ایم. تعارض‌هایی که یک هویت و ذات چند بعدی را مطرح می‌کنند. شما به خوبی به آن سه جنبه اشاره کردید؛ که هم به صورت انفرادی و هم به صورت جمعی، بحث وجود انسان را مطرح می‌کنند. اگر بخواهیم پیشرفت، یک پیشرفت یکپارچه و کل‌نگر باشد، هم‌زمان باید به تمامی ابعاد وجود بشری اشاره کنیم و بر آنها صحنه بگذاریم. پیشرفت سیاسی به دست نمی‌آید مگر با پیشرفت اقتصادی، و این دو به دست نمی‌آیند مگر با پیشرفت تمدن و فرهنگ و مباحث معنوی و روحانی که بسیار بر آن تکیه می‌کنیم.

ابتدای جلسه یک ارائه [قرائت قرآن] بسیار عالی از سوی قاری محترم داشتیم که ما باید از آن دریچه، به پیشرفت بنگریم. کلید پیشرفت تمدن اسلامی و همه مقوله‌های پیشرفت، در کتاب قرآن که توسط خداوند متعال برای ما ارسال شده ساری و جاری است. اساس کل دانش‌ها، در کتاب آسمانی قرآن و همین‌طور بیانات معنوی حضرت علی (ع) و سایر اندیشمندان دنیای اسلام موجود است. قرآن حاوی تمام نکات بنیادی همه دانش‌ها در جهان است و این یک مسئله مبرهن و روشن است. پس وظیفه اندیشمندان اسلامی این است که اول آن دانش‌ها را از کتاب قرآن استخراج کنند، توضیح دهند و مثال‌های عینی بیاورند و در مرحله دوم یک برنامه کلی برای پیشبرد اهداف تعیین‌شده توسط مبانی اسلام و کتاب قرآن ارائه و عملیاتی کنند. کتاب [قرآن] فرستاده شده که ما را از عمق ظلمات به روشنایی نور رهنمون کند. ظلمات چیست و تعریف نور چیست؟ اگر ما بدانیم که روشنایی به چه منزله تلقی می‌شود و تاریکی و ظلمات به چه چیزی اطلاق می‌شود، در این صورت می‌توانیم یک برنامه کاربردی را برای پیشرفتمان رقم بزنیم. پیشرفت، حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر است. نقطه آغازین حرکت از ظلمات است. هر آنچه نقطه مقابل آن نظم و هارمونی تبیینات آسمانی است تعبیر به ظلم می‌شود که جمع آن ظلمات است؛ این آن بعد معنوی است که اشاره کردم. بالاترین حد ظلم، کفر است؛ کفر می‌آید و وجود خالق هستی را کتمان می‌کند. این بالاترین حد ظلم تلقی می‌شود. بعد دوم ظلم، سیاسی است؛ ایجاد وحشت، ظلم و ستم کردن و سایر ابعاد سیاسی که اینجا مطرح می‌شود. بُعد دیگر، بعد اقتصادی است. ظلم در ارتباط با تعاملات انسانی چه به صورت انفرادی باشد یا گروهی و اجتماعی،

■ پیشرفت و اصالت فرهنگی

مبین هر نوع عدم مساوات و بی‌عدالتی است و به آن اشاره دارد. نور نقطه مقابل ظلم است. از طریق شناخت خداوند باری تعالی، نوری به قلب انسان‌ها ساطع می‌شود، بالاترین سطح آن نقطه‌ای است که روح انسان و روح بشری قرار دارد. زمانی که روح بشری ارتباط اساسی با خالق هستی‌بخش برقرار می‌کند، با نور توأم می‌شود. تحت لوای خداوند هستی‌بخش، تعاملات این بشر نظامی پیدا می‌کند و در قالب تعالیم معنوی حرکت می‌کند. صورت حضرت محمد (ص) بسیار نورانی بوده و طبق احادیث، خیلی سخت بوده که به صورت ایشان مستقیم نگاه کنند. در واقع، نوری که در قلب حضرت بوده، از چهره نورانی ایشان ساطع می‌شد. اگر از مبدأ وحی شروع کنیم، در بستر زمان و تاریخ این تعالیمی که به بشر انتقال پیدا کرده است و نمایش این نور الهی، در قالب تمدن اسلامی متبلور شده و مهم‌ترین و منحصر به فردترین آنها از طریق دانش است. انتقال دانش در اسلام به منحصر به فردترین روش در بین کلیه تمدن‌هایی که شاهد آن بوده‌ایم، صورت گرفته است. این سنت منحصر به فرد انتقال دانش، وقتی عملیاتی می‌شود که متون و علوم قرآنی تبدیل و به آنها جامه عمل پوشانده می‌شود. درست است که پیروان حضرت محمد (ص) این کلمات زیبا را بیان می‌کردند ولی انتقال دانش در تمدن اسلامی زبان به زبان و سینه به سینه اتفاق می‌افتد و این نکته‌ای است که خیلی حائز اهمیت است. افرادی که تعالیم اسلامی را از آن حضرت می‌شنیدند، به صورت شفاهی و سینه به سینه به نسل بعدی و فرزندان نسل بعدی منتقل می‌کردند. این یک مدل منحصر به فرد از انتقال دانش تلقی می‌شود. انتقال دانش و خرد از طریق

این روش منحصر به فرد یکی از ابعاد خاص تمدن اسلامی است. اگر سنت طب اسلامی را در نظر بگیرید می‌تواند خیلی روشن‌تر باشد. وقتی حکیمان نبض شما را می‌گرفتند، می‌توانستند وضعیت کلی جسمی شما را به خوبی ارزیابی کنند؛ یعنی دانش هم دانش تجربی و علمی است و هم فرا تجربی است. ما وقتی از این چارچوب یک استنباط خوب داشته باشیم، می‌توانیم آن را در قالب یک طرح به مرحله عمل برسانیم. آن وقت می‌توانیم بگوییم که آیا واقعاً وضعیت به صورت درست و اصیل، وضعیت اسلامی را پیدا کرده یا خیر و بدین شکل کاربرد اسلامی آن را رقم زده‌ایم. ما باید وضعیت موجود را روشن کنیم و موقعیت آن را در طول تاریخ اسلام به صورت یکپارچه بررسی کنیم. همه مسلمانان آگاه هستند که در مدلی که می‌خواهیم برای توسعه تمدن اسلامی طراحی کنیم باید واقع‌گرایی را در نظر بگیریم تا آن مسائل معنوی قرآن حضرت محمد (ص) لحاظ شود. جایگاه ما امروز کجا است؟ پاسخ یا از جنبه سیاسی مطرح می‌شود یا اقتصادی و یا مباحث معنوی به میان می‌آید؛ همان سه بعدی که دکتر صدر فرمودند. باید وضعیت این موارد را مشخص کنیم. باید در اینجا جنبه‌های بنیادی پیشرفت را به خوبی تبیین کنیم. همه دستاوردها خروجی این سه محوری است که ایشان به خوبی به آن اشاره کردند. برای ارزیابی واقع‌گرایانه در خصوص وضعیت موجود که ببینیم کجا قرار داریم، باید از این نقطه حرکت کنیم تا یک الگوی پیشرفت، هر الگوی پیشرفتی به صورت عام، را ایجاد کنیم. علی‌رغم شرایط بحرانی وحشتناک و شرایط خطرناکی که الآن در آن قرار داریم، خیلی دوست دارم که شما در تاریخ، برگشتی به سال ۱۹۵۰ میلادی داشته باشید. دقیقاً بعد از جنگ جهانی

■ پیشرفت و اصالت فرهنگی

دوم را عرض می‌کنم. وضعیت جهان اسلام و امت اسلامی در سال ۱۹۵۰ میلادی به چه ترتیب بود؟ آیا در آن موقع علمی وجود داشت؟ آیا دانشگاه‌ها با این توانمندی و رویکرد قوی که امروز هستند، عمل می‌کردند؟ آیا وضعیت سیاسی ما به این درجه اهمیت داشت که امروز در جهان بازتاب دارد؟ اگر روزنامه‌های سال ۱۹۵۰ میلادی را بررسی کنید و ادبیاتی که در آن زمان تولید شده بود را ببینید، یا کتاب‌هایی که در آن زمان منتشر شده بودند، هیچ مرجعی را در جهان اسلام پیدا نمی‌کنید که اسلام را به عنوان یک نیروی جهان‌شمول مطرح کند. بعد از ۳۰۰ سال مستعمره‌سازی و ظلم و ستم، امت اسلامی تازه داشت بیدار می‌شد. در آن زمان دو ایدئولوژی در جهان غرب حکم‌فرما بود که در ذهن آنها نقش بسته بود: کمونیسم و سرمایه‌داری. حرفی از اسلام در میان نبود. در آن نقطه تاریخی، در ذهن مکاتب غربی، دیگر اسلامی وجود نداشت، اسلام تمام شده بود. ولی در خلال ۷۰ سال گذشته، یک بیداری اسلامی اتفاق افتاده است مثل یک حالت رستاخیز؛ رستاخیز تمدن اسلامی و فرهنگ اسلامی پس از ۳۰۰ سال که امت به خواب رفته بود. این خیلی مهم است و به ما انرژی و امید می‌دهد. درست است که شرایط فعلی ما، شرایط مطلوب نیست اما نسبت به سال ۱۹۵۰ پیشرفت‌های خیلی زیادی کرده‌ایم. ما فرآیند عمل‌کردمان را باید حتماً در یک بازه بلندمدت تاریخی درک کنیم. علی‌رغم فشارهای موجود، علی‌رغم فشارهای فزاینده‌ای که وجود دارد، ما امیدواریم و باید به این روند پیشرفت ادامه بدهیم.

دو مورد از کارهایی را که باید انجام دهیم خدمت دوستان می‌گویم. مورد اول: بررسی کنیم چه اتفاقی در سده‌های اخیر افتاد، که شاهد افت امت اسلامی در جهان بودیم؟ برویم و ریشه‌یابی تاریخی کنیم. قرن هفدهم، ما امپراتوری‌های بسیار قدرتمند مانند صفوی و عثمانی داشتیم که بر جهان حکم‌فرمایی می‌کردند و به لحاظ ثروت امپراتوری‌هایی بسیار قوی بودند و با هیچ کمبودی مواجه نبودند. چه اتفاقی افتاد که افت کردیم؟ مورد دوم: بررسی کنیم بعد از انقلاب علمی و صنعتی در اروپا، چه اتفاقی افتاد؟ [اول] چرا ما به آن نقطه تعادل جهانی سیاسی و اقتصادی نرسیدیم و [دوم] چرا دانش جدیدی که آن زمان غربی‌ها به آن رسیدند و فهم بهتری از آن پیدا کردند، نتوانستیم آن را همزمان محقق کنیم؟ سر متفکران و مؤسسات علمی و پژوهشی ما چه آمد؟ این می‌تواند یک پروژه تحقیقاتی باشد. تشخیص بیماری، نیمی از درمان است؛ این یکی از کارهایی است که ما باید در دستور کارمان قرار دهیم. مرحله بعدی این است که فهم خوبی از مقوله پیشرفت علمی داشته باشیم که در دنیای غرب اتفاق افتاده است.

در مورد پیشرفتی که تمدن غربی آن را به دست آورد، می‌خواهم خیلی شفاف نظر خودم را اعلام کنم. ما شاهد مزیت‌های بی‌شمار پیشرفت‌های علمی در علوم مختلف هستیم؛ علمی که منجر به رشد اقتصادی و پیشرفت اقتصادی می‌شود، که قدرت نظامی را به ارمغان می‌آورد و این اجازه را به اروپا می‌دهد که کل جهان را فتح و مستعمره خودش کند. آن اهرم کلیدی چه بود که این امکان را به وجود آورد که آنها این قدر قدرتمند شوند؟ ماهیت ظلمات در واقع چه بود که از آن استفاده کردند و این پیشرفت را رقم زدند؟ پیشرفت مادی

پیشرفت و اصالت فرهنگی ■

که توسط تمدن غربی اتفاق افتاده است، آن بعد سوم یعنی بعد معنوی را که شما [دکتر صدرا] فرمودید در متن خودش ندارد. بر اساس مطالعات مذهبی خودشان؛ یعنی یهودیت. این نقطه‌ای بود که دنیای مدرن پیشرفت را با آن شکاف [بین معنویت و سیاست یا اقتصاد] به پیش برد. همه فکر می‌کنند که ما هم باید حتماً قالب‌های معنوی را بشکنیم و این شکاف را ایجاد کنیم تا بتوانیم پیشرفت کنیم که این نمی‌تواند درست باشد. ما الآن در نقطه آغازین در بحث ظلمات و تاریکی هستیم و داریم به سمت روشنایی حرکت می‌کنیم. چون این پیشرفت مادی بدون آن بعد معنوی اتفاق افتاده است شاهد زوال بشری هستیم، یعنی از هم پاشیده شدن خانواده‌ها، یا طبقات اجتماعی. ما داریم وضعیت را می‌بینیم که نشانه روشن این امر است. چرا ثمره پیشرفت مادی هنوز در آنجا هست؟ اما از بطن همان جوامع غربی هم یک بیداری و آگاهی اتفاق افتاده است. برای ما خیلی مهم است که این فرایند را مطالعه و تحقیق کنیم تا دوباره همان راه اشتباه را نرویم. ما پیشرفت اقتصادی، پیشرفت دانش و پیشرفت سیاسی خودمان را فدای پیشرفت معنوی که برای ما یک محور و رکن اساسی است، نمی‌کنیم. اگر بخواهیم از مدل پیشرفتی که غربی‌ها پیش بردند پیروی کنیم، تمدن ما دچار همان سرنوشت شوم تمدن غربی خواهد شد. این خیلی مهم است. من می‌دانم که در ایران و سایر کشورهای اسلامی، رویکردهایی وجود دارد که می‌گویند ما با این بعد معنوی کاری نداریم، ما فقط پیشرفت علمی می‌خواهیم. پیشرفت تمدن، پیشرفت فناوری بدون در نظر گرفتن بعد معنوی. ما شاهد این انتقادات هستیم. باید به روشنی

■ سلسله نشست‌های اندیشه‌ورزی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

این مسئله را درک کنیم که اگر تسلیم شویم و آن بنیاد معنوی که مدنظر ماست و آن پیشرفت‌های گذشته را در تاریخ و تمدن اسلامی رقم زده است، کنار بگذاریم؛ یعنی اگر پیشرفت اقتصادی و سیاسی را بخواهیم، ولی بعد معنوی را نادیده بگیریم، شکست می‌خوریم. در واقع این آیه کریمه قرآن محقق نمی‌شود که انسان‌ها بتوانند از ظلمات به روشنایی رهنمون شوند. آن موقع، پیشرفت از بطن ظلمات به بطن ظلمات خواهد بود. مطالعه تمدن غربی خیلی می‌تواند در اینجا راهگشا باشد. دو جهت برای این مسئله وجود دارد: یک، از آن نقاط مشکل‌زایی که آنها تجربه کرده‌اند و تجربه اشتباهی بود، اجتناب کنیم و همان اشتباهات را تکرار نکنیم. دوم، نکات مثبت آن را در نظر بگیریم و از آن استفاده کنیم. در قرون هفده و هجده، آن اتفاقی که مثبت تلقی شد و در جوامع غربی افتاد، تولید علمی و جنبه عملی تولید علمی است که ما هم باید به این مسئله صحنه بگذاریم. متأسفانه در سه امپراتوری گذشته؛ یعنی صفوی، عثمانی و حتی مغول‌ها، این اتفاق نیفتاد.

می‌خواهم یک مثال بزنم که صحبت‌ها و عرایض را خاتمه ببخشم. به کشف علمی گاز اشاره می‌کنم. بویل یک دانشمند بود که کشف کرد گاز به اندازه قالبی که در آن قرار می‌گیرد، انبساط پیدا می‌کند. اگر یک لیتر نیتروژن را در این فضا رها کنیم، کل فضای این اتاق کنفرانس را همین یک لیتر نیتروژن فرا می‌گیرد ولی اگر آن را داخل این بطری بگذاریم، فقط به اندازه این فضا انبساط پیدا می‌کند. این یکی از ابعاد اساسی آن کشف علمی بود. اما یک نفر به این مسئله پی برد که در اینجا یک فرق وجود دارد: زمانی که آن قالب، یک قالب کوچک مثل لیوان است فشار بسیار فزاینده‌ای ایجاد می‌شود و من از این

پیشرفت و اصالت فرهنگی ■

گاز تحت فشار می‌توانم استفاده کنم تا موتور بخار را اختراع کنم. می‌دانید که موتور بخار آمد و پیشرفت‌ها و پیامدهای بسیار گسترده‌ای را در زمینه سیاسی و اقتصادی برای دنیای غرب به وجود آورد؛ چون از آن استفاده کردند و آن را به این عملکرد تبدیل کردند. متأسفانه آن مکانیسمی که باعث شد این کشف فردی به کل جامعه منفعت برساند، در دنیای اسلام غایب بود و وجود نداشت؛ هنوز هم همین وضعیت برقرار است. ما نمی‌توانیم پیشرفت کنیم مگر اینکه نهادهای علمی ما بتوانند این انرژی را از وضعیت مجزا و انفرادی به یک حالت عام‌المنفعه تبدیل کنند تا بتوانیم برای کاربردهای مثبت در جامعه از آن استفاده کنیم. دو راهکار را جهت رسیدن به پیشرفت پیشنهاد می‌کنم: نخست باید برگردیم آن نقاط تاریخی را مطالعه کنیم و ببینیم چه شد که دنیای اسلام دچار افت، سپس بتوانیم نگاهی به آینده داشته باشیم تا بتوانیم با حفظ بعد اساسی معنوی خودمان، پیشرفت را رقم بزنیم. من اینجا عرایضم را به پایان می‌رسانم و آماده شنیدن نظرات ارزنده دوستان هستم.

ج) نقد و نظر

- دکتر علیرضا صدرا

جناب استاد اشاره فرمودند که تمدن پیشین اسلامی ظرفیت بسیار زیادی را نشان داد و به وجود آورد. مسلمانان به سبب فاصله گرفتن از اسلام ناب محمدی (ص)، آسیب دیدند. خوشبختانه الآن جریان تجدید حیات تفکر و تمدن نوین اسلامی کاملاً محسوس و ملموس است که فرآیندی چند صد ساله

را در عقبه و نیز در پیش روی دارد. آخرین نکته اینکه به هر حال در ایران از آراء، آثار، اندیشه‌ها و حتی اشعار علامه محمد اقبال لاهوری زیاد استقبال شده و می‌شود، به عنوان یک روشنفکر مسلمان و به عنوان متفکر جریان‌ات اصلی بازگشت به اسلام اصیل که نظرات ایشان در انقلاب اسلامی ایران مطرح شده و آثار خوبی نیز داشته است. ان شاء الله که از نظرات دکتر مظفر اقبال هم اقبال و استقبال صورت بگیرد. عزیزانی که نظراتی جهت ایضاح و تبیین مطلب دارند، ما در خدمتشان هستیم.

- دکتر هادی اکبرزاده

صحبت بسیار خوبی را داشتند. به ویژه اینکه ابعاد مختلف پیشرفت را تصریح کردند که اقتصادی، فرهنگی و معنوی است. آن چیزی که در حوزه عمل و برای طراحی مدل پیشرفت، امروزه با آن روبه‌رو هستیم این است که معنویت را که مورد تأکید است، چگونه به رفتار اجتماعی تبدیل کنیم. طبیعتاً راهکار این مسئله خیلی پیچیده است. حتی از حوزه اقتصاد پیچیده‌تر است. ما تا حدودی، یک سری سازوکارها برای پیشرفت اقتصادی به نظرمان می‌رسد و فکر می‌کنیم که از عهده آن کار برمی‌آییم. در مرحله بعد هم که حوزه فرهنگی است، اگرچه پیچیده‌تر از حوزه اقتصاد است، در این مورد هم خوش‌بین هستیم که بتوانیم برنامه‌های اجتماعی را تدوین کنیم. اما حوزه معنویت، به هر حال حوزه پیچیده‌ای است. مستحضر هستید که با نصایح کار حل نمی‌شود. مخصوصاً اینکه ما با این دیدگاه‌ها هم امروزه روبه‌رو هستیم، اگر ما اقتصاد را سر و سامان ندهیم، نمی‌توانیم از معنویت هم دفاع کنیم. بنابراین،

■ پیشرفت و اصالت فرهنگی

ما به شدت نیازمند راهکارهای عملی و عملیاتی برای ارتقای معنوی رفتار اجتماعی جامعه مسلمین، نه صرفاً رفتار فردی، هستیم. باید این را به یک سری شاخص‌ها تبدیل کنیم و بررسی کنیم این شاخص‌ها چگونه باید در جامعه اعمال شود تا مشخصه یک جامعه اسلامی باشد. بدین معنا اگر از بیرون به جامعه اسلامی نگاه کردند، از نظر معنوی، یک وجه تمایزی نسبت به یک جامعه غیراسلامی داشته باشد. چیزی که امروزه ما حداقل در بعد اجتماعی شاهد آن نیستیم. اگر جناب‌عالی در این قسمت نظراتی داشته باشید که در طراحی الگوی پیشرفت به ما کمک کند، این امر برای ما بسیار راهگشا خواهد بود.

- دکتر عباسعلی زالی^۱

من هم تشکر می‌کنم که آیات مناسبی را که در اینجا قرائت شد شما خیلی خوب با وضع جهان به ویژه مسلمانان و شرایط خاصی که در سال ۱۹۵۰ میلادی داشتند تطبیق دادید. خوب تعبیر کردید که یک حرکتی اتفاق افتاده که از سمت ظلمات به سمت نور حرکت می‌کنیم و اگر بخواهیم پیشرفت کنیم باید از این نور به خوبی بهره بگیریم. منتها دنیا هم غافل نمانده است. ما می‌بینیم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و نقشی که امام خمینی (ره) در هشدار دادن به جهان اسلام داشتند، حساسیت‌ها خیلی بیشتر شده است، توطئه‌ها رو

۱. استاد بازنشسته دانشگاه تهران و رئیس اندیشکده آب، محیط‌زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی مرکز الگو

■ سلسله نشست‌های اندیشه‌ورزی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

به افزایش است، مستکبران دنیا و در رأس آن آمریکا مقابله جدی با جهان اسلام کردند و آن را خطری برای آینده خودشان تلقی می‌کنند. بحمدالله شما که در غرب هم بوده‌اید و شاهد این مسائل هستید اشراف خوبی دارید. فقط یادآوری می‌کنم در سال ۱۹۵۰ میلادی یا کمی بعد از آن، در خود آمریکا هم افرادی مثل دکتر مصطفی چمران و دکتر ابراهیم یزدی حرکت‌های جدیدی را شروع کردند. ولی الآن حساسیت‌ها نسبت به اسلام به گونه‌ای است که آنها هم آگاه شده‌اند که خطر ممکن است آینده آنها را تغییر دهد. جنابعالی که با خیلی از کشورها ارتباط دارید، چه شیوه‌ای را برای مقابله مسلمانان با این جهت‌گیری توصیه می‌کنید و چگونه ما می‌توانیم در عبور از توطئه‌هایشان موفق شویم؟

- دکتر موسی عنبری^۱

بحث حرکت از ظلمات به نور در ادبیات پیشرفت و توسعه در دنیا هم هست، آنها پیشرفت را معادل نور گرفته‌اند؛ یعنی گفته‌اند عصر روشنگری عصری است که ما از تاریکی به نور آمدیم. پس خود غربی‌ها هم این اصطلاح را به کار گرفته‌اند. منتها بحثی که اینجا برای ما چالش ایجاد می‌کند این است که آنها نور را بیشتر با علم همراه کرده‌اند و گفته‌اند علم و فناوری که بیاید، بصیرت و روشنائی ایجاد می‌کند، بنابراین، علم کمک می‌کند که آن تاریکی‌ها و افسون‌ها از بین برود. چیزی که ما در تمدن اسلامی به دنبال آن هستیم و

۱. دانشیار جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران و مدیر کل امور علمی مرکز الگو

■ پیشرفت و اصالت فرهنگی

تعبیرمان از نور است، همان معنویت است که ایشان هم روی ابعاد معنوی تأکید کردند. منتها یک مشکل الآن وجود دارد که این معنویت‌گرایی اسلامی، با خشونت همراه شده است مانند اسلام‌گرایی و معنویت‌گرایی داعش، القاعده و طالبان که نوعی معنویت‌گرایی خشن و در عین حال جمعی است. ولی غرب یک نوع معنویت‌گرایی همراه با آزادی را تجربه کرده است؛ یعنی آزادی پوششی بر نوع معنویت آنها شده است. حالا بحث ما این است که ما باید بر روی چه نوعی از تجربه معنویت تأکید کنیم که احساس امنیت شخصی و آزادی‌های فردی به عنوان انرژی‌ای برای توسعه عمل کند، زیرا ایشان گفتند که ما باید شکل انرژی فردی را تبدیل به یک انرژی جمعی‌تری بکنیم تا پیشرفت اتفاق بیفتد. حالا امروز آزادی فردی یک انرژی است، اعتمادهای بین افراد یک انرژی است. سؤال من به صورت مشخص این است که این معنویت‌گرایی جدید یا معنویتی که دنبال آن هستیم، رابطه‌اش با آزادی که در عصر پیشرفت خیلی مورد تأکید است، چگونه می‌تواند باشد؟ که البته در اندیشه‌های جدید از نوع داعش و القاعده و غیره با آزادی مخالفت می‌کنند و با جمع‌گرایی در آزادی موافق هستند.

- دکتر خلیل سعیدی^۱

من دو سؤال خیلی مختصر دارم. اشاره فرمودند که دنیای اسلام در یک مقطع دچار افت شد و این باید بررسی شود، حالا می‌خواستم ببینم جواب خود

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد و مدیرکل نظارت و ارزیابی مرکز الگو

ایشان به این سؤال چیست؟ علت آن افول چه بود؟ نکته دیگر اینکه ما در جهان توسعه یافته، یک کشور اسلامی هم نداریم، این بحث مهمی است، چرا این‌طور است؟ عالمان دینی ما باید به این مسئله جواب بدهند. چرا در جهان توسعه یافته، ما کشور اسلامی نداریم؟ تفرقی که در جهان اسلام است، الآن در دنیا مشکل ایجاد کرده است. ما طیف گسترده‌ای از برداشت‌ها از اسلام داریم. داعش هست و غیره. به نظر من، علمای اسلامی باید بتوانند با این پدیده هم برخورد منطقی و معقولی داشته باشند.

- دکتر محسن خلیجی^۱

شما در واقع، صحبت‌هایتان روی دو محور متمرکز شد. یکی نگاه به گذشته که ببینیم چه اتفاقی افتاده و یکی نگاه به آینده که ببینیم چکار باید بکنیم. به نظر من، این یک متدولوژی عالمانه است که شما مطرح کردید و خیلی خوب است، از نگاه به این دو بعد می‌توانیم پی ببریم که چکار باید بکنیم. تصادفاً نبض جوامع اسلامی همین‌جا می‌زند: برخورد بین سنت‌گرایی و مدرنیته. به طور دقیق، من از شما خواهش می‌کنم بفرمایید که شما چگونه این پیچیدگی بین سنت و مدرنیته، گذشته و آینده را حل می‌کنید؟ چون اینجاست که جوامع اسلامی باید تصمیم خودشان را بگیرند که چکار کنند؟ آیا باید بیشتر به گذشته نگاه کنند یا به آینده چشم بدوزند؟ راه‌حل منطقی برای حفظ آن معنویت چیست؟

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

- دکتر علی مرتضویان^۱

من می‌خواهم یکی دو نکته را به صورت کوتاه عرض کنم. نکته اول اینکه طوری بحث شد گویا فقط تمدن اسلامی است که به تعبیر بعضی‌ها، دچار انحطاط و به تعبیر دیگران ضعف و فتور شده است. اما این‌طور نیست کل تمدن‌ها در این چند سده گذشته، ابتدا از لحاظ نظامی و بعد از لحاظ فرهنگی، مقهور تمدن غربی شده‌اند. بنابراین، می‌خواستم که جنابعالی هم به این پدیده اشاره‌ای داشته باشید و آن را روشن کنید.

نکته دیگر اینکه اشاره‌ای نفرمودید که اگر ما بخواهیم استقلال فرهنگی پیدا کنیم؛ یعنی همان چیزی که انقلاب اسلامی به دنبال آن است و کشورهایی که از یوغ استعمار آزاد شده‌اند همه به نحوی این مرحله را طی کرده‌اند، چطور می‌توانیم با همان مفاهیم و اصطلاحاتی که آنها در ذهن ما عمیقاً استوار کرده‌اند، مشکلات کنونی را خوب و درست بفهمیم. تمام مفاهیم علوم اجتماعی که ما الآن به کار می‌بریم، مهم‌ترین آنها سنت و مدرنیته، در واقع از غرب آمده است. ممنون می‌شوم اگر در این مورد نظرتان را بفرمایید.

- دکتر مرتضی یوسفی‌راد^۲

توجه ویژه شما بر خروج از ظلمت به سوی نور بود و این مسئله در فرمایش‌های جنابعالی برجسته بود. عرض بنده این است که برای برون‌رفت

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

جهان اسلام از وضعیت کنونی‌اش، آیا جنابعالی این خروج از ظلمت به نور را یک راهبرد می‌بینید، یا راهبردی که برای خروج جهان اسلام از وضعیت موجود پیشنهاد می‌کنید، دوگانه دیدن زندگی دنیوی و اخروی و توأمان بودن اینها است تا از اقتضائات و نیازهای حیات مادی در کنار حیات معنوی غفلت نشود؛ به عبارت دیگر، اگر ما راهبردمان خروج از ظلمت به نور باشد، ناخواسته دچار این امر می‌شویم که سر از خشونت در بیاوریم گرچه ممکن است به آن اعتقاد نداشته باشیم، زیرا حاضر نیستیم واقعیت‌های موجود را ببینیم. اقتضای این حرکت از ظلمت به نور، این است که همه چیز را تاریک می‌بینیم؛ یعنی آنچه که موجود است، آنچه که دنیای غرب برای ما ساخته است، ناگزیر به جنگ با آنها بر می‌خیزیم. این نگاه احساسات ما را تقویت می‌کند، جنبه‌های انگیزشی ما را تقویت می‌کند. اما اگر راهبرد ما عمران زندگی دنیوی و مادی در کنار زندگی معنوی باشد و این را هم بپذیریم که آغاز رسیدن به زندگی معنوی، به اقتضای نیازهای جسمی و مادی، باید از عمران زندگی دنیوی شروع شود، ناگزیر تجویزی که باید داشته باشیم خردورزی است؛ یعنی تقویت قوه عاقله؛ تقویت عقل عملی مسلمانان. اینکه به سمت و سوی برویم که بدانیم آنچه نیاز زندگی مسلمانان است، ارزش است، خردورزی و زندگی دنیوی جزو مصالح و منافعشان است. بنابراین، هر کدام از این دو مورد، اقتضائات خودش را می‌طلبد، کدام را حضرتعالی تجویز می‌کنید که لازمه خروج زندگی مسلمانان از این وضعیت بحران‌زا است؟

- دکتر عابد گل کرمی^۱

سؤالی که بنده دارم از ساحت دانشجویی است. همان طوری که مستحضرید کلیه روشنفکران دینی به خاطر پاسخ به دو سؤال یا دغدغه به کنکاش و در مقام پاسخگویی برآمده‌اند و احساس مسئولیت کرده‌اند و آن دو سؤال عبارت است از: (۱) - چگونه دین را با دنیای جدید پیوند بدهیم؟ (۲) - علت انحطاط مسلمین چیست؟. بر این مبنا هر کدام از روشنفکران مسلمان سعی کرده‌اند با توجه به این دو پرسش نسخه‌ای برای جامعه مسلمین بیچند و ارائه طریق کنند. حال با توجه به نکات پیش گفته، شما به عنوان یکی از روشنفکران جهان اسلام و در بیرون از جمهوری اسلامی ایران اگر با این پیش‌فرض که ایران فعلی را تجسم واقعی پیوند دین و دنیا بدانیم، عملکرد جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک حکومت اسلامی در پیوند دین با دنیای جدید چقدر موفق می‌دانید؟

- دکتر علی شیرخانی^۲

چند سؤال مختصر دارم که مطرح می‌کنم. سؤال اول منظور شما از معنویت چه نوع معنویتی است، چون معنویتهای زیادی در دنیا وجود دارد. سؤال دوم این تمدن اسلامی قرن سوم تا پنجم که از آن صحبت می‌کنید مصادف با دوره خلفای عباسی است آیا همان معنویتی که مد نظر شما است در این دوره

۱. کارشناس اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگو

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم

وجود داشته است؛ یعنی معنویتی که می‌فرمایید مطالعه کنیم و به آینده هم تعمیم دهیم. سؤال سوم اینکه فرضاً آمدیم و در الگوی پیشرفت، معنویت را مبنا قرار دادیم. در مسائل تجربی می‌گویند وقتی که کسی بیمار جسمی می‌شود، به نزد پزشک می‌رود، آن پزشک نسخه و دارویی می‌دهد و ایشان می‌خورد، تبش می‌خوابد و بیماری‌اش ساکت می‌شود. الآن که ما کشورهای اسلامی در فقر معنویت و بحران معنوی یا بیماری معنوی هستیم و باید برون‌رفت و رشد داشته باشیم، راه برون‌رفت پیشنهادی شما چیست؟

- دکتر جلال درخشه^۱

من می‌خواستم یک توضیح در مورد بیانات شما داشته باشم. این نوع مباحثی که شما مطرح کردید بالغ بر ۱۵۰ سال است در جامعه ما و همچنین جوامع اسلامی مورد بحث و بررسی است و ادبیات نسبتاً مفصلی در این زمینه وجود دارد. حتی در تاریخ یک‌صد ساله اخیر جامعه خودمان، ما هم گفتگوهای زیادی در این‌باره داشته‌ایم و پیشنهادهای گوناگونی برای برون‌رفت از وضعیت جامعه خودمان و همچنین جوامع اسلامی ارائه شده است. پس از انقلاب اسلامی ایران در بسیاری از مراکز علمی و دانشگاهی و حوزوی ما، این‌گونه مباحث به شکل بسیار دقیق و عمیقی مورد بررسی، تجزیه و تحلیل واقع شده است. آنچه که الآن برای ما مهم است و بنده و امثال بنده در این جلسه شرکت کرده‌ایم، شکل‌دهی به مدلی است که بتواند پیشرفت ما را به عنوان

۱. دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

بیشرفت و اصالت فرهنگی ■

یک کشور مسلمان تضمین کند. شما اشاره داشتید به اینکه ما باید به گذشته نگاه کنیم، من بالغ بر ۲۰ سال است که خودم در این خصوص کار می‌کنم و مقالات زیادی نوشته‌ام و بحث کرده‌ام ولی رویکردی که بتواند ما را از این وضعیت خارج کند، هنوز خیلی مشخص نشده است. اگر منظور ما از گذشته فهم گذشته باشد، فکر می‌کنم به اندازه کافی فهم گذشته حاصل شده است. ما چه چیزی را در درون تمدن گذشته اسلامی جستجو می‌کنیم؟ اخلاق، قدرت، دانش، کشورگشایی، خلافت‌های گسترده؟ دقیقاً برای ما کدام یک نقطه اصلی است؟ اگر در فرمایشات شما این موضوع مورد توجه قرار می‌گرفت، خیلی می‌توانست برای ما راهگشا باشد. به هر حال، ما به گذشته خود خیلی افتخار می‌کنیم و به دنبال احیای مجدد تمدن اسلامی به عنوان تمدن نوین اسلامی هستیم، اما مهم این است که تمرکز بحث روی کدام بخش است؛ آیا به دنبال بازیابی دانش هستیم؟ به دنبال بازیابی قدرت هستیم؟ یا قدرت را از طریق دانش می‌خواهیم؟ یا قدرت را از طریق اخلاقیت و معنویت می‌خواهیم؟ اینها پرسش‌های اساسی ما است که باید به آن جواب بدهیم. تمدن نوین غربی، اگر مستحضر باشید، حاصل تلاقی سه بُردار بوده است: یک، انقلاب علمی دوم، انقلاب‌های فکری و سیاسی و سوم، انقلاب صنعتی؛ حاصل آن تمدن نوین غربی شده است. بحث ما در اینجا این است که ما باید چکار کنیم؟ دقیقاً راه برون‌رفت از وضعیتی که دچار آن هستیم چیست؟ در واقع آن تعبیر معروف *what is to be done* مهم است و گرنه گذشته را که تجزیه و تحلیل کرده‌ایم و بسیار امیدوارانه و علاقه‌مندانه هم به آینده نگاه می‌کنیم. در تاریخ معاصر ما

دو انقلاب بزرگ برای همین منظور اتفاق افتاده است. در تاریخ صد ساله ما ده‌ها نهضت برای همین روی داده، شاید پر انقلاب‌ترین و پر نهضت‌ترین جامعه در جوامع اسلامی، جامعه ایران بوده است برای رسیدن به همان نقطه مهم؛ اما پرسش اصلی این است که چه باید بکنیم؟ شاخص‌های شما برای خروج از ظلمت به نور چیست؟ ما هم دقیقاً همین را می‌خواهیم، ما هم می‌خواهیم بر اساس مدل قرآنی پیش برویم اما با چه شاخص‌هایی و چگونه باید از این مسیر عبور کنیم؟ این مسئله، گرانگه تاریخی ما است.

- علی‌اصغر ربیعی^۱

بنده صحبتی در مورد رابطه علم و فضل و چگونگی رابطه این دو با پیشرفت در اسلام دارم. از منظر اسلام، اگر بخواهیم با مبانی و رویکردهای اسلامی صحبت کنیم و عامل دانش را، یک عامل مهم در پیشرفت بدانیم و با توجه به اینکه ایشان کتابی با عنوان Science and Islam دارند، می‌خواهم تفاوت فضل و دانش و ارتباط این دو مسئله را با هم بدانم. چون یکی از کارهای اساسی این مرکز این است که این مجهولات را حل کنیم و به آن علم پیدا کنیم. مشخصاً روایتی از رسول خدا (ص) هست که امام هفتم ما شیعیان نقل کرده‌اند که علم را به سه دسته تقسیم می‌کنند: یک شاخه آن را آیه محکمه می‌دانند، شاخه دوم را فریضه عادل و شاخه سوم را سنه قائمه نقل می‌کنند و غیر آن فضیلت است. این رابطه علم و فضل، این سه دسته‌بندی از علم، و

۱. کارشناس اندیشکده عدالت مرکز الگو

■ پیشرفت و اصالت فرهنگی

نحوه اثرگذاری علم و فضل در پیشرفت برای ما محل سؤال است و بحث مفصلی را می‌طلبد. خوشحال می‌شوم که نظر شما را در این مورد بدانم.

- دکتر علیرضا صدرا

بسیار سپاسگزار هستم. عزیزان ۱۱ محور را طرح کردند و دکتر اقبال یادداشت فرمودند. من به طور خلاصه و مورد به مورد اشاره می‌کنم. دکتر اکبرزاده بحث عملی‌سازی معنویت‌گرایی را مطرح فرمودند. دکتر زالی، توطئه‌های اسلام‌ستیزی استکبار جهانی و نحوه مقابله با آن را مطرح فرمودند. دکتر عنبری معنویت یقینی جمعی را در مقابل معنویت کاذب و فردی و عرفان‌های آمریکای لاتینی مطرح فرمودند. دکتر سعیدی علت واگرایی را مطرح کردند و اینکه تفرق و ضعف جهان اسلام در جهان مدرن را چکار کنیم. دکتر خلیجی، رابطه بین گذشته، حال و آینده را طرح فرمودند. دکتر مرتضویان فراز و فرودهای تمدن را فرض گرفتند «تلك الأيام نداولها بين الناس» و فرمودند که ما الآن در گفتمان علمی مدرن و با مفاهیم آن کار می‌کنیم، چگونه باید روح اسلامی به اینها بدمیم یا اصلاً مفاهیم جدیدی را مطرح کنیم. دکتر یوسفی‌راد، بحث راهبرد خروج از ظلمت همزمان با تعامل با غرب را مطرح فرمودند که چطور با غرب تعامل داشته باشیم که تحت تسلط آنها قرار نگیریم. برادر گل‌کرمی رابطه دین و دنیای جدید را مطرح کردند، علت انحطاط را پرسیدند و اینکه جمهوری اسلامی ایران در تعامل دین و دنیای جدید چقدر موفق شده است. دکتر شیرخانی معنویت و جنبه عملیاتی معنویت را مطرح کردند که چه

نوع معنویتی را دنبال کنیم دکتر درخشه بحث رویکرد و مدلی که پیشرفت اسلامی را تضمین کند، مطرح کردند. آقای ربیعی بحث علم و پیشرفت در اسلام مطرح کردند که چه رابطه و نسبتی می‌توانند داشته باشند. ما برای این ۱۱ محور، با توجه به وقت و ظرفیت زمان در خدمت استاد هستیم.

- دکتر مظفر اقبال

۱۱ سؤال مطرح شد. اجازه بدهید نخست به نکته‌ای اشاره کنم. استنباطی که از سؤالات طرح شده می‌توانیم داشته باشیم این است که نقطه مشترکی در همه سؤالاتی که از سوی استادان محترم مطرح شد، وجود دارد؛ دغدغه اصلی همه ما این است که عملکرد مهم است. یک عطش درونی وجود دارد، یک خواست قلبی که راه‌حلی عملی پیدا کنیم و جواب «چگونه» را بدهیم. اینکه ما تشخیص دادیم که یک سری مشکلات داریم و باید آنها را مرتفع کنیم تا از ظلمات به نور برسیم، این خودش یک علم به شمار می‌رود. خیلی مهم است که ما به این درجه از شناخت رسیده‌ایم.

مورد دوم که می‌خواهم اشاره کنم. جواب این سؤالات در بطن خود سؤالات است، اگر بخواهید دقیق شوید و آن این است که باید روش و شیوه مناسب را پیدا کنیم، باید روش‌شناسی مطرح شود. شما می‌دانید که من دکترای شیمی دارم پس با دانش غربی هم تعامل داشته‌ام، دانشی که می‌گوید دیدگاه فردی و احساسات را از فرایند خارج کن. از مشاهداتی که دارید، احساسات و دیدگاه فردیتان را باید خارج کنید. ما همواره این فاصله- یک حالت جدایی- را از دیدگاه فردی‌مان داریم. آیا ما می‌توانیم فهم مشترکی از قواعد و ارکان اصلی

بیشرفت و اصالت فرهنگی ■

داشته باشیم؟ ولی آن وقت یک مسئله داریم و پنج میلیارد راه‌حل؛ یعنی به تعداد مسلمانان در جهان. اگر ما نتوانیم روی یک رکن اصلی توافق کنیم، به تعداد مسلمانان جهان، راه‌حل خواهیم داشت. ما باید به آن اساس بنیادی اشراف پیدا کنیم و یک هم‌رایی داشته باشیم، ولی هیچ موقع نتوانستیم آن نقطه مشترک را پیدا کنیم. آیا اینجا ما یک نقطه مشترک داریم که همه روی آن توافق کنیم؟ من فکر کنم آن تعالیم اصلی و آن خردی که از بطن قرآن کریم استخراج شده، همه مسلمانان با آن موافق هستند، خوب این اتفاق فرخنده‌ای است. ۲۳ سال فرآیندی که از طریق آن، پیامبر اسلام (ص) به عنوان آخرین فرستاده الهی از مسیر وحی مجموعه قبایل عربی را متحد کرد. ما می‌توانیم با تفسیر قرآن با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنیم اما خود کتاب قرآن نقطه مشترک همه ما مسلمانان است که الآن وجود دارد. ما می‌دانیم که کتاب قرآن، منبعی است که باید ارکان راهبرد خودمان را از آن استخراج کنیم، این نکته مورد تأیید همه مسلمانان است. نکته دوم به صورت خیلی عینی، اگر ۲۳ سال زندگی پیامبر اسلام را بررسی کنیم، بعد از وحی فرآیند تحول جامعه از ظلمات به نور را شاهد بودیم. یک وضعیت سیاسی مستقلی در مدینه آن زمان تأسیس شد که پیش‌تر وجود نداشت، اما حائز اهمیت‌تر این است که ۵۰۰ سالی که طی آن دستاوردهای علمی که در قالب انرژی بود و به دستاوردهای علمی تبدیل شد، یک پهنه جغرافیایی عظیمی را رقم زد. این یک رخداد منحصربه‌فرد و خاص در تاریخ بشریت است. در عرض ۵۰۰ سال، ما دیدیم که مدینه به جایی رسید که با سمرقند و بخارا و در واقع آن

ایالت‌های اروپایی برابری می‌کرد و حتی از لحاظ تحولات علمی، بالاتر قرار گرفت. چنین رخدادی هیچ وقت در تاریخ اتفاق نیفتاده است. هر آنچه که در آن برهه از تاریخ ما اتفاق افتاد، حاصل فهم کامل ما از این مسئله بود که چگونه آن انرژی را به فعلیت تبدیل کنیم. من فکر کنم زمینه مشترک ما این دو مسئله باشد: ۲۳ سال زندگی پیامبر اسلام (ص) بعد از نزول وحی و نیز تعالیمی که می‌توانیم از قرآن به عنوان رکن اصلی راهبرد برون‌رفت از ظلمات استخراج کنیم. درست است که دو طرف تعبیرات متفاوتی از رهنمودهای قرآن دارند، اشکالی ندارد؛ اختلاف‌نظر مشکلی ندارد اما نباید بدین منزله باشد که ما از همدیگر جدا شویم. قلوب مسلمانان در زمان حضرت پیامبر (ص) متحد بود البته به پیامبر مراجعه می‌کردند و در همان زمان هم نظرات متفاوتی داشتند. این دو موضوع را مطرح کردم تا به ۱۱ سؤالی که مطرح شده است جواب دهم. سعی می‌کنم خیلی مختصر اشاره کنم.

درباره شاخص‌های پیشرفت مادی، ما می‌توانیم به وسیله علمی که وجود دارند رشد اقتصادی یا شاخص اقتصادی را برای پیشرفت در نظر بگیریم، اما چطور می‌توانیم این پیشرفت را بر یک مبنای معنوی بنیان کنیم. دوباره باید به آن دو منبع اصلی برگردیم. قرآن یک شاخص منحصر به فرد ارائه می‌دهد تا مقیاسی برای معنویت باشد، این مقیاس با عنوان «تقوا» در قرآن مطرح شده است. اگر بخواهیم ادبیات این واژه را که در قرآن مطرح شده بررسی کنیم، به عنوان بشر نمی‌توانیم پیش‌داوری کنیم که چه کسی معنوی هست یا چه کسی معنوی نیست. قوانینی هست که مقوله تقوا را روشن می‌کند که همه ما به آن اشاره داریم. در سال ۲۰۰۵، به دعوت سازمان تبلیغات در قم، در

■ پیشرفت و اصالت فرهنگی

دانشگاه باقرالعلوم بحثی را تدریس می‌کردم. صبح‌ها گاهی به منزل امام خمینی (ره) می‌رفتم. امام (ره) در واقع زندگی خیلی ساده و بی‌آلایشی داشتند، خانه ایشان خیلی ساده بود و این تقوای واقعی است. ما باید از نشانه‌های تملکات مادی خودمان جدا باشیم؛ امام خمینی (ره) نمونه بارز این امر بود با اینکه می‌توانست ثروتمندترین انسان در ایران باشد. اگر شما به موزه آستان قدس رضوی بروید، یک مدل توسط سعودی‌ها در مورد حرم به امام خمینی (ره) داده شده بود که شاید میلیون‌ها دلار برای آن لازم می‌شد. اما آن طرح نمی‌توانست ویژگی‌های بارز خانوادگی آن حضرت را نمایان کند. توسعه معنوی در نوع و شیوه زندگی بشری مستتر است؛ این آن نکته‌ای است که می‌خواهم به آن اشاره کنم. یکی از اصحاب رسول خدا (ص) در مسجد به ایشان مراجعه کرد. دید جایگاهی که رسول خدا خوابیده بودند، یک جایگاه ناراحت بود که تشک و بالش مناسبی نداشت. آن صحابی به گریه افتاد که این وضعیت برای شما مناسب نیست و به کاخ کسری اشاره کرد که در همان برهه زمانی بوده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: من رهگذری در این دنیا هستم که در سایه درختی نشسته‌ام و بعد به درگاه باری تعالی ملحق می‌شوم؛ یعنی من با مادی‌گرایی، ثروت‌اندوزی، راحتی و آسایش ارتباطی ندارم؛ ما اینجا برای مدتی کوتاه مسافر هستیم.

من سؤال دوم و سوم را با هم تلفیق می‌کنم؛ یعنی همان راهکارهای عملی که چگونه بتوانیم با قدرت غرب مواجهه کنیم. بحث خشونت که به داعش و القاعده و غیره اشاره شد. این تعارضی که در خصوص پیشرفت‌های جهان

اسلام می‌شود به ویژه ایران که این قدر با آن دشمنی می‌شود، خودش نشان دهنده این است که چیزی که در اینجا اتفاق می‌افتد حق است و یک مسئله قابل تأمل است. اگر ما بر حق باشیم و کار درست را انجام دهیم، انتظار این دشمنی‌ها و مخالفت‌ها را هم باید داشته باشیم. هر چه خلوص این جهاد بیشتر باشد، تقابل و مواجهه و دشمنی هم شدت بیشتری خواهد داشت. برگردیم به دوران اوایل اسلام و مکه: مخالفت بود یا نبود؟ آیا در شعب ابی‌طالب، جامعه مسلمین سه سال محصور نبودند؟ آیا عمار به آن طرز وحشتناک شکنجه نمی‌شد؟ آیا چندین بار به مدینه حمله نکردند؟ منظورم ماجرای خندق و احد است. دوباره در جهان معاصر این ماجرا در حال اتفاق است، پس ما باید انتظار این دشمنی و تعارض را داشته باشیم. در مواجهه و مبارزه با این نیروی مقابل که دشمنی می‌کند، در همین اراده مبارزه است که قدرت نهفته است. من واقعاً دوست دارم در اینجا مطلبی را بگویم. کل بحث احیای اسلام و تمدن اسلامی و کل بحث چگونگی آن، توسط روایتی متفاوت از آنچه که باید باشد دزدیده شده است؛ داعش و القاعده آن را گرفته و تفسیری اشتباه ارائه می‌کنند. چرا ما همه انرژی‌مان را صرف داعش، طالبان و غیره می‌کنیم؟ اعداد و ارقام را نگاه کنید، آیا اینها نماینده کل کشورهای مسلمان هستند؟ ما نباید همه انرژی‌مان را روی همین چند گروه بگذاریم هر چند که به صورت مستمر اتفاق می‌افتد. آنها ما را به وضعیت تدافعی برده‌اند و ما باید همیشه دفاع کنیم که چرا اسلام باید این گونه باشد؟ چرا ما مسلمان هستیم؟ دائماً باید در وضعیت دفاعی باشیم چون انرژی ما را معطوف کرده‌اند به اینکه با چند گروه مقابله داشته باشیم. نباید از دین اسلام شرم‌منده باشیم و

■ پیشرفت و اصالت فرهنگی

معذرت‌خواهی کنیم و در موضع دفاعی به سر ببریم. گروهی از افراد تحت لوای اسلام، کاری اشتباه را انجام می‌دهند، اما تعداد آنها قابل توجه نیست. ولی کل انرژی جمعیت دنیای اسلام، باید معطوف این شود که به خاطر این تعداد اندک عذرخواهی کنند چون دارند این کارها را به اسم اسلام انجام می‌دهند. قدرت رسانه‌ها است که این مسائل را پخش می‌کند و مطرح می‌کند. وقتی یک یهودی یا یک مسیحی یک چنین عمل زشتی را مرتکب شود، می‌بینیم خبر خیلی کوتاه است و آن قدر برجسته نمی‌شود. روز بعد هم همه فراموش می‌کنند. اما آن چیزی که به اسم اسلام اتفاق می‌افتد، هر روز با عنوان‌ها و تیتراژ درشت پخش می‌شود و متوقف نمی‌شود. آنها این مطالب را به ما ارائه می‌دهند، ولی لازم نیست ما در تله آنها بیفتیم.

آزادی فردی که در سؤال چهارم مطرح شد، خیلی مهم است. ما در چارچوب اخلاقیات اسلامی باید عدم توافقمان با همدیگر را اعلام کنیم. شما می‌توانید حدودی برای آزادی‌های فردی در نظر بگیرید، ما می‌توانیم با یکدیگر مخالفت کنیم، اما چارچوب اخلاقیات اسلامی را نباید نادیده بگیریم. شما زندانی منیت خود خواهید شد، اگر آزادی عمل را بدون هیچ گونه محدودیتی قلمداد کنید. من در کنفرانسی یک راهب بودایی را ملاقات کردم، او گفت من دوست دارم آزادی عمل داشته باشم و هر کاری را که می‌خواهم انجام دهم، به ایشان می‌گویند چنین امری اصلاً مصداق عملی پیدا نمی‌کند چون تعریف مذهب و چاره‌جویی که رقم می‌زند، نمی‌تواند تداعی‌گر چنین وضعیتی باشد. آزادی مطلق در چارچوب مباحث اسلامی وجود خارجی ندارد به این دلیل که ما به

دنیا آمدیم، باری تعالی هر کدام از ما را با یک پیش‌فرض و وضعیتی خلق کرده است. بر اساس این ارکانی -پیمان ازلی- که خداوند باری تعالی تعریف کرده است، هر فردی با تعهدی از طرف خداوند خلق شده است، این تعهد نه تنها حضرت آدم بلکه در مورد همه فرزندان و نسل‌های بعدی هم مصداق عملی پیدا می‌کند [دکتر مظفر به مقوله میثاق بندگی اشاره دارند که ما در چارچوب تعهد و میثاقی که با خداوند باری تعالی داریم باید اخلاقیات، وجدان و آنچه که عملکرد یک انسان را رقم می‌زند، مراعات کنیم].

بحث سنت‌گرایی و تجددگرایی را یکی از استادان محترم مطرح کردند که خیلی مهم است. این دسته‌بندی بسیار معتبری است که به ما اجازه می‌دهد وضعیت موجود و رویکردهای حاضر را به خوبی بررسی کنیم. ولی بحث سنت‌گرایی و مدرنیته را اگر بخواهیم با این الگو قیاس کنیم، چنانچه روش تحقیق عمیق‌تری را برای بررسی وضعیت معاصر به کار ببندیم، آن وقت می‌فهمیم که این دو مقوله، مقوله‌های معتبری نیستند. سیر تاریخی را تحقیق کنید و ببینید که این دو طبقه‌بندی را چه کسی برای اولین بار ارائه داد؟ چطور این دو مقوله ایجاد و در چه بطن و قالبی تعریف می‌شود؟ مثل سایر طبقه‌بندی‌ها به ما تحمیل شده یا به ما عرضه شده است؟ این تجزیه و تحلیل متفکران غربی است که اشاره کردم. متفکران اسلامی پیش از اینکه هر مقوله‌ای را قبول کنند [بررسی می‌کنند]، همچون کشتی‌ای که اول سوار نمی‌شویم بلکه بررسی می‌کنیم و تحقیقاتمان را انجام می‌دهیم، بعد نظرمات را اعلام می‌کنیم. روشن بودن شیوه‌ای که می‌خواهیم اتخاذ کنیم، خیلی مهم است. ما باید از آزادی تفکر ذهنی خودمان بهره بگیریم و پیش از اینکه

■ پیشرفت و اصالت فرهنگی

بخواهیم وارد هر مقوله‌ای شویم باید حتماً تحقیق عمیقی داشته باشیم. متأسفانه من بقیه سؤالات را نمی‌توانم پاسخ بدهم چون بیشتر از دو دقیقه از وقت باقی نمانده است. این نقطه، نقطه‌ای خیلی عالی است برای اینکه حرکتمان را شروع کنیم. از نظر معنوی و فکری باید آزاد باشیم تا بتوانیم از تمامی مباحث مهم تجزیه و تحلیل داشته باشیم.

- دکتر علیرضا صدرا

اگر بخواهیم یک جمع‌بندی نهایی داشته باشیم همه متفق‌اند و دکتر اقبال هم تأکید دارند که قرآن و اسلام، دین رهبانی نیست، دین مدنی است، دین اجتماع مدنی و سیاسی و دین تمدن‌ساز بوده است. تمدن پیشین اسلامی شاهدهی بر این ادعا است. بنابراین، قرآن و اسلام را به عنوان منبع و نقشه راه در اختیار داریم؛ تقریباً همه مسلمانان روی این امر اتفاق دارند و اختلافی بر سر آن نداریم. دوم، وضعیت مطلوب ممکن ما تمدن‌سازی نوین اسلامی است. دغدغه و داعیه همه جریان‌ها این است که باید تمدن‌سازی صورت گیرد. تمدن دینی روبه‌روی تمدن مادی؛ باید با استفاده از مواهب تمدن مادی، بتوانیم تمدنی معنوی و دینی ایجاد کنیم. در اینجا هم می‌توان گفت تقریباً همه جریان‌های اسلامی اتفاق نظر دارند و هیچ اختلافی ندارند، البته ممکن است در مثنی‌ها و مسیره‌ها، تفاوت سلیقه باشد. بنابراین، تأکید زیادی وجود دارد که بتوانیم الگوی سیر و ساختار این پیشرفت را تبیین و تدوین کنیم و تحقق ببخشیم. این امر آرزوی دیرینه کل جهان اسلام است و رحمت للعالمین هم

■ سلسله نشست‌های اندیشه‌ورزی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

هست. الآن در جمهوری اسلامی ایران به برکت انقلاب اسلامی، این کار آغاز شده و به مراحل هم رسیده است. ان شاء الله همه اندیشمندان و آزادگان جهان، دانشمندان اسلامی و ان شاء الله دانشمندان ایرانی به این امر کمک کنند تا به مصداق «دو صد گفته چون نیم کردار نیست» بتوانیم نمونه‌ای عملی را اجرا کنیم و نشان دهیم که جهان اسلام می‌تواند پیشرفت کند و ظرفیت آن را دارد؛ در جمهوری اسلامی زمینه‌ها فراهم شده است. ان شاء الله با الگوسازی بتوانیم به این اهداف برسیم.

همه عزیزان این امر را تأیید می‌کنند، با دید مثبتی هم که جناب استاد دارند، آینده و تحولات زمان به نفع اسلام و جهان اسلام پیش می‌رود. ان شاء الله بتوانیم با الگوسازی این فرایند را تضمین و تحقق ببخشیم.